

## ایام روزه بزرگ

دید که در اثر غم و اندوه به خواب رفته بودند ، به ایشان فرمود : خواب هستید؟ برخیزید و دعا کنید تا از وسوسه دور بمانید."

آیین کلیسایی به ما می آموزد که زمان روزه ، زمان توبه و بازگشت بسوی خدا می باشد ، از این ایام پر فیض و برکت روزه به طور احسن استفاده کرده تا بتوانیم یک تحول مثبت در زندگی خود ایجاد نماییم . روزه دار بودن بدون تحول معنوی روزه نیست فقط در این ایام از خوردن گوشت و لبنیات پرهیز کرده ایم ، این روزه پسندیده خدا نیست ، بلکه باید طبق تعالیم انجیل باشد ، مرقس باب ۷ آیه ۱۵-۱۶ و ۲۱-۲۳ : "آنچه انسان را نجس می سازد غذا نیست ، بلکه افکار بد که از دل بیرون می آیند : مانند دزدی ، زنا ، طمع ، خیانت ، فریب ، حسادت و خود بینی ... می باشد".

متن ذیل درباره روزه از آیین کلیسای آشوری کلدانی کاتولیک شرق نوشته اسقف اعظم کلیسای ارومیه توماس میرم می باشد. آیین ما مراسم برگزاری روزه بزرگ را همانند یک جشن بزرگ آغاز می کند و نخستین نقطه ای که توجه ما را بدان جلب می کند نخستین روز آغاز روزه بزرگ است ، که می گوید: **همانند جشنها برگزار شود** ، لذا ایام روزه با گامهای استوارتری ما را بسوی عید

دوستان گرامی ، اکنون این توفیق و سعادت نصیب ما شده تا در این روزه بزرگ معنوی سهیم باشیم ، بهترین موقعیت است تا اینکه بهتر و عمیقتر از نیروی دعا و روزه آگاه و از فیض و برکات این ایام بهره مند شویم . در متی باب ۴ آیه ۱-۱۱ می خوانیم که عیسی مسیح چهل شبانه روز در بیابان در دعا و روزه سپری کرد و در نهایت ابلیس او را وسوسه کرد و چون عیسی مسیح به کلام خداوند وفادار ماند در نهایت بر شیطان غلبه کرد و راه خود را تا پای صلیب که منجر بر رستاخیزش گردید پیمود. در انجیل متی باب ۶ آیه ۱۷ می خوانیم : "اما تو هر وقت روزه میگیری بر سرت روغن بزن و صورت خود را بشوی تا مردم از روزه تو باخبر نشوند ، بلکه فقط پدر تو که در نهان است آنرا بداند و پدری که هیچ چیز از نظر او پنهان نیست اجر تو را خواهد داد".

روزه گرفتن و دعا خواندن دو بالی هستند که انسان را بسوی خدا پرواز میدهند تا از شر دشمن درونی و بیرونی رهایی یابد. مسیح به ما می آموزد که دعا و روزه یک ضرورت حیاتی است که باید در زندگی هر فرد مسیحی ریشه بدواند و رشد کند تا بارور و ثمر بخش باشد ، در غیر اینصورت در غم و اندوه فرو رفته و در خواب غفلت غوطه ور شده تا وسوسه ها جای دعا و روزه را بگیرند. در انجیل لوقا باب ۲۲ آیه ۴۵-۴۶ می خوانیم : "وقتی عیسی از دعا برخاست و پیش شاگردان آمد آنان را در خواب

رستاخیز مسیح هدایت می نماید. **دعاهای روز اول روزه**  
چنین می گوید: که با روزه خودت ای مسیح  
خداوند، کلیسا را از خون قربانیهای حیوانی جدا  
ساختی و از گمراهی و عبادت بتها نجات بخشیدی و  
درک حقیقت تعلیم کامل تثلیث مقدس را به او  
سپردی . با روزه می توانیم بر حواس پنجگانه انسان  
تسلط یابیم ، روزه مقدس همانند دارویی است که هر  
دردی را مداوا می کند ، لذا در مدت روزه بدون خیانت و  
با ایمان قدم برداریم و به پاکیزگی دلهایمان از هر گناه  
مشغول شویم و با افکار عقیف به محبت ورزیدن و کمک  
به فقرا بشتابیم ، تا اینکه سزاوار فیضهای بیکران رنجهای  
خداوند باشیم و میوه های پاک توبه را همراه با دعاها و  
روزه داری و صدقه و محبت به فقیران و به تو ای مسیح  
تقدیم کنیم . آیین مقدس ، ما را دعوت میکند و  
می گوید : ای برادران ، روزه خداوند به منزلهایمان وارد  
و ساکن شد و ما باید با گشاده رویی و دلهای مسرور به  
پیشواز او برویم و با قداست از او پذیرایی کنیم ، و از  
خداوند جهان درخواست کنیم تا تمام ناراحتیها را از ما  
دور کند ، روزه خداوند رسیده و تاج پیروزی را به کسانی  
که با دل پاک این ایام را سپری می کنند تقدیم  
می نماید. تفکر و تعمل در ژرف محبت خدا انسان را  
دعوت میکند که همراه روزه و دعا مراسم توبه را انجام  
دهد زیرا روزه بدون انجام مراسم توبه و اعتراف همانند  
یک انسان بیمار است ، زنده است اما نمی تواند مثمر ثمر

باشد و با توبه و اعتراف می توانیم میوه های صلیب ،  
مرگ و رستاخیز خداوند را در زندگی ایمانی خود بدست  
آوریم . ای مسیح ، کاهن اعظم بخشنده ما ، که به خاطر  
نجات ما قربانی پاک خدا و مقبول درگاه حق شدی ، از  
جهت درخواست بخشش گناهانمان به درب تو می کوبیم.  
روزه زیباست همانند یک پادشاه بسوی ما می آید ، هر  
یک از ما همانند یک شهر خود را آراسته و حواسمان را  
منور کنیم . همانطور که کوچه ها را تمیز می کنیم  
دلهایمان را از گناه پاک بسازیم و خدا را بعنوان یک رهبر  
بر افکارمان برگزینیم ، دیدگاهمان با کتابهای معرفت  
همانند رویاها خواهند دید و با کمال فروتنی خواهیم  
گفت : ای خداوند بر ما رحم کن . ای مسیح با روزه ،  
بدنهای کوفته ما را مرحم بخشیدی و روانمان را که با  
لکه های گناه آلوده بود پاک و منزّه ساختی و به قلب  
انسانیت ما پاکیزگی دادی .

**ایام روزه بر شما ایمانداران مبارک باد .**

**برادر شما**

**کشیش وانیا**

**خلیفه گری آشوری کلدانی کاتولیک تهران**

## در باب شیطان بر حسب کلام خدا

در زبان عبری شیطان به معنی "دشمن" و مدعی می باشد. انبیاء نخستین همواره بر این بودند که مردم را آگاه نمایند: فقط خدا قادر مطلق می باشد. یعنی این تصور غلط است که دو نیروی بدی و خوبی داریم و هر دو نیز از یک میزان قدرت برخوردارند و دائماً باهم در جنگند. بلکه فقط خدای یگانه در رأس همه آفرینش است. «من قادر مطلق هستم و دیگری نیست. خدا هستم و نظیر من نی» (اشعیا ۹/۴۶) در آغاز قوم اسرائیل بر این پندار بود که توسط نیروهای بدی احاطه شده است و همواره سعی می کرد که خود را در مقابل این پلیدیها محافظت نماید. اما بزرگان قوم را با این انگیزه عامی سازش نبود. مدتهای مدید قوم تصور می کرد که نیروهای نیک و بد هر دو از سوی خدای قادر مطلق صادر می شوند. اما انبیاء با این تصورات غلط نیز به جنگ برخاستند. ایشان اعلام می کردند که خدا نیکوست و فقط خوبی را آفریده، بدی و شرارت از خدا نمی آیند. خدا هرگز مسبب بدبختی مردم نیست.

### متون چند از عهد قدیم:

- نخستین بار در باب سوم کتاب پیدایش با مار مواجه می شویم. او فقط یک مخلوق است اما رفتارش عین یک سرور و صاحب (خدا) به نظر می رسد. مار، سخنان خدا را در نظر حوا مغرضانه جلوه می دهد و می گوید که خدا خوردن میوه آن درخت را صرفاً از روی حسادتش ممنوع کرده است. (پیدایش ۳/ ۱-۶)
- در کتاب اول پادشاهان ۲۲/ ۱۹-۲۳ خدا به میکایا آشکار می سازد که هنگام مشورت با فرشتگانش روحی داوطلب شد تا اخاب را بفریبد و او را به جنگی ترغیب نماید که در آن کشته می شود.
- در کتاب ایوب بالاخره نام شیطان رسماً ثبت می شود: "روزی واقع شد که پسران خدا آمدند تا به حضور خداوند حاضر شوند و شیطان نیز در میان ایشان آمد" (ایوب ۱/۶). هر وقت خدا با فرشتگانش به مشورت می نشیند این روح حاضر می گردد. خصومتش با نسل بشر کاملاً محسوس است. شیطان از خدای قادر مطلق رخصت می یابد تا ایوب را بشدت تمام تحت آزار قرار دهد.
- در کتاب زکریای نبی ۳/ ۱-۵ شیطان مدعی یهوشع کاهن اعظم می باشد. او موفق شده بود که به تن این مرد لباس پلیدی بپوشاند و اما خدا شیطان را نهیب کرده و به آنانی که در حضورش ایستاده بودند گفت: لباس پلیدی را از تن این مرد بیرون کنید...

### در عهد جدید

شیطان با نامهای متفاوت معرفی شده منجمله: دیو، دشمن، ابلیس، شاهزاده این جهان، فرشته مطرود... عیسی مسیح که برای نجات بشر دنیا آمد، پس از تعمیدش به بیابان رفت تا تحت وسوسه شیطان قرار بگیرد. شیطان عیسی را به رفتاری مثل "خدا" تحریک می کند (همانطور که با "آدم" اولیه کرد)، و بعد عیسی را دچار همه وسوسه های قوم در بیابان نمود؛ اما عیسی از همه اینها پیروزمندانه بیرون آمد و بعد ها در طول مأموریت علنی اش، شیاطین سعی می کردند هویت اصلی عیسی را در زمان و مکانی که نباید اعلام نمایند: ... "و بسا کسانی را که به انواع امراض مبتلا بودند، شفا داد و دیوهای بسیاری بیرون کرده، نگذارد که دیوها حرف زنند، زیرا که او را شناختند" (مرقس ۳۴/۱)

در متن دیگری (متی ۱۳/۳۶-۴۳) "دشمن" تخم علف هرز را که همانا فرزندان شیرینند، در میان گندم زار می پاشد، اما هر اتفاقی که بیافتد، این آخر کار نیست.

رسولان مسیح که از سوی وی برای اعلام ملکوت روانه شدند، متوجه می شوند که "دیوها" در مقابل ایشان مقاومتی ندارند و عیسی می بیند که شیطان از آسمان به زمین سقوط می کند (انجیل لوقا ۱۰/۱۸). براستی ملکوت خدا فرا رسیده است، زیرا عیسی شرارت و پلیدی را از قلوب بشر می زداید. (انجیل لوقا ۱۱/۱۴-۲۲)

برای عیسی هم "ساعت" فرا می رسد: "وقتی که هر روز در هیکل با شما می بودم، دست بر من دراز نکردید، لیکن این است ساعت شما و قدرت ظلمت" (لوقا ۲۲/۵۳) اما یوحنا در انجیلش می گوید: "الحال داوری این جهان است و الان رئیس این جهان بیرون افکنده می شود" (۳۱/۱۲)

... "رئیس این جهان می آید و در من چیزی ندارد" (۳۰/۱۴)

شیطان و عواملش می خواهند عیسی را بکشند و موفق هم می شوند، اما رنج و مرگ عیسی فقط مقدمه ای برای رستاخیز او بود.

شاگردان و پیروان عیسی نیز همچون استاد خویش تحت وسوسه و آزار شیطان قرار می گیرند، اما اگر علیرغم همه گناهای که بشر می تواند مرتکب شود، باز هم امید خود را از دست ندهند و در عیسی بمانند یعنی توبه کنند و همواره بسوی او بازگردند، در پیروزی او نیز سهیم خواهند بود؛ یعنی شیطان نهایتاً سهمی در ایشان نخواهد داشت. پطرس رسول در اولین رساله اش می گوید:

هوشیار و بیدار باشید زیرا که دشمن شما ابلیس مانند شیر گران گردش می کند و کسی را می طلبد تا ببلعد. پس به ایمان استوار شده، با او مقاومت کنید... (اول پطرس ۵/۸-۹)

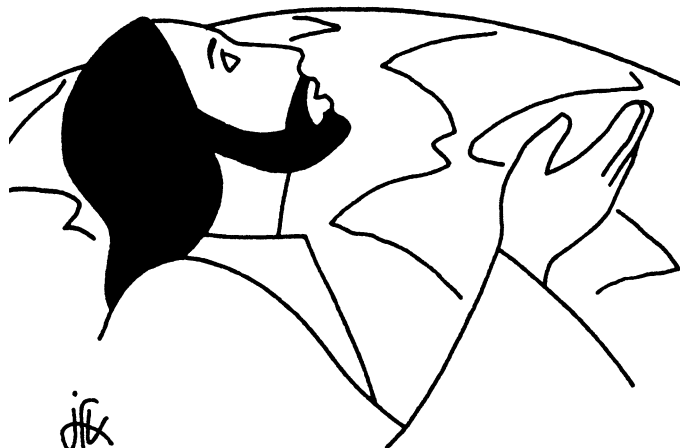
**"خدای سلامتی بزودی شیطان را زیر پایهای شما خواهد سایید.**

**فیض خداوند ما عیسی مسیح با شما باد" (رومیان ۱۶/۲۰)**

### سرود روزه بر طبق آیین کلیسایمان

مسیحا، که توسط روزه ما را شایسته پرستش خود می گردانی، انسانهاییکه به شکل خود آفریده ای احیا کن، با آنان سخن بگو، و در آنان فصیح خود را به انجام رسان، و همه ما را زنده گردان، در اتحاد با پدر خود.

آمین



## دیدگاه قدیس اسحاق نینوایی درباره "روزه"

شاگرد: برای کسی که در روان خود موانع را به کناری نهاده و خود را آماده نبرد نموده است ، سرآغاز این نبرد بر علیه گناه از کجاست و چگونه می بینی؟

استاد: بر همه کس مسلم است که رنج و مشقت روزه بر سایر مبارزات رفیع تر است ، بخصوص برای آنکسی که بر علیه گناه درونش به مبارزه برخاسته است.

نشانه تنفر از گناه و تمایلاتش برای کسانی که در این نبرد هستند ، قابل رویت است زیرا اسلحه هایشان روزه داری و شب بیداری است. آنانکه عادت به روزه داری را دوست دارند ، با عصمت و پاکی هم نشینند.

ایام روزه زمان مطلوب رشد فضائل است و کسی که روزه را نادیده بگیرد ، توانایی بکارگیری فضائل را از دست می دهد. در حقیقت اولین قربانی که در آغاز آفرینش برای آدم و حوا نهاده شد «منع خوردن یک چیز بود» که دقیقاً هم در این مورد شکست خوردند و سقوط کردند.

بنابراین قهرمانان مسابقه "ترس الهی" که خود را بخدمت فرمانهای الهی گمارده اند ، دقیقاً از همین نقطه (روزه) مبارزات خویش را آغاز می کنند.

حتی نجات دهنده ما ، عیسی مسیح ، پس از ظهورش (تعمید) در آبهای اردن مبارزه اش را از همین جا یعنی "روزه" آغاز کرد: «اما عیسی پر از روح القدس بوده ، از اردن مراجعت کرد و روح او را به بیابان برد و مدت چهل روز و چهل شب ابلیس او را تجربه نمود» ... به همین نحو همه کسانی که او را دنبال می کنند مبارزه خویش را بر این اساس آغاز می کنند.

### «طبیعت انسان»

در میان داستان های حکمت آمیز سنتی هندی ، داستانی هست درباره یک راهب پیرو هندو که کنار رودخانه ای در سکوت نشسته بود و «مانترا»ی (یعنی ذکر) خود را تکرار می کرد. روی درختی در نزدیکی او ، عقربی حرکت می کرد که ناگهان از روی شاخه به رودخانه افتاد. همین که راهب خم شد و عقرب را که در آب دست و پا می زد از رودخانه خارج کرد ، جانور او را گزید.

راهب اعتنایی نکرد و به تکرار منترای خود پرداخت. کمی بعد عقرب باز به آب افتاد و راهب مانند بار قبل او را از آب درآورد و روی شاخه درخت گذاشت و باز نیش عقرب را چشید. این صحنه چندین بار تکرار شد و هر بار که راهب ، عقرب را نجات می داد نیش آن را بر دست خود حس می کرد.

در همان حال یک روستایی بی خبر از اندیشه ها و نحوه زندگی مردان مقدس ، که برای بردن آب به لب رودخانه آمده بود با دیدن ماجرا ، کنترل خود را از دست داد و با اندکی عصبانیت گفت: «استاد ، من دیدم که تو چندین بار آن عقرب احمق را از آب نجات دادی ولی هر دفعه تو را گزید. چرا رهائش نمی کنی جانور رذل را؟»

راهب پاسخ داد: «برادر ، این حیوان که دست خودش نیست ، گزیدن ، طبیعت اوست.»

روستایی گفت: «درست است ولی تو که این را می دانی چرا طرفش می روی؟».

راهب پاسخ داد: «ای برادر ، خوب من هم دست خودم نیست ، من انسان هستم ، رهانیدن ، طبیعت من است.»

## «قدرت عشق»

درهای قطار در یکی از ایستگاهها باز شد و ناگهان سکوت بعد از ظهر با عربده و فحش های نامفهوم مردی در هم شکست. مردی تلوتلو خوران وارد واگن شد. او درشت هیكل و مست بود و لباس کارگری بر تن داشت.

عربده کشان تنه ای به یکی از زنانی که بچه ای در بغل داشت زد. با ضربه او زن بینوا چرخ زنان بر دامان یک زوج پیر افتاد. واقعاً معجزه بود که هیچ آسیبی به بچه نرسید.

زوج پیر ، هراسان و وحشت زده از جای پریدند و به سمت دیگر واگن خیز برداشتند. کارگر با لگد پشت زن را نشانه گرفت ، اما سرعت او باعث شد که لگد کارگر به او اصابت نکند. این حرکت به قدری مرد مست را از کوره به در برد که میله فلزی وسط واگن را چنگ زد و کوشید که آن را از جا بکند ، یکی از دستهایش زخمی شد و خون از آن جاری بود.

آن زمان جوان بوم ، و بدنم به اصطلاح رو فرم بود. سه سال تمام بود که هر روز از اول صبح ، هشت ساعت تمرین «آیکیدو» می کردم. عاشق بزن بزن و دعوا بوم ، فکر می کردم که سرسخت و قوی هستم.

از جای که برخاستم با خود گفتم: «این لحظه ای است که مهارت رزمیم را به طور عملی مورد آزمایش و امتحان قرار دهم. مردم هم در خطرند اگر من فوری کاری نکنم ، بدون تردید کسی آسیب خواهد دید.»

مرد مست با مشاهده بلند شدن من دریافت که می تواند خشم و غضب خود را روی من متمرکز کند. او هوار زنان گفت: «باشه! بهت درسی بدم که تا عمر داری مزه اش را فراموش نکنی!»

ثانیه ای قبل از حمله او ، مردی با صدای بلندی گفت: «هی!» صدایش گوشخراش و کر کننده اما شاد و دلنواز بود. هر دوی ما به مرد ریز نقش پیری که آنجا نشسته بود ، خیره شدیم. پیرمرد با اشاره به او گفت: «بیا اینجا! بیا اینجا باهم صحبت کنیم.»

مرد اطاعت کرد ، انگار تمام اختیارش دست او بود. کارگر مست گفت: «چرا باید با یه لعنتی مثل تو صحبت کنم؟» پیرمرد با علاقه و جذبۀ تمام پرسید: «چی خوردی ، پسر؟» مست گفت: «به تو مربوط نیست.» آب دهان مرد مست بر روی لباس پیرمرد پاشیده شد.

پیرمرد گفت: «عالیه ، پسر ، عالییه. من هم گاهگداری عصرها زیر درخت خرما لوی منزلان می نشینم و کمی می نوشم.»

درختو ، پدر پدر بزرگم کاشته. فقط خدا می دونه از بارون و یخبندون سال آینده جان سالم به در می برده یا نه؟ تا حالا که وضعش خیلی خوبه ، هر چند که خاک خونه مون چندان تعریفی نداره. وقتی نم نم باران می آد ، پسر ، می رم زیرش می شینم و از صدای بارون لذت می برم!»

او چشمک زنان نگاهی به مرد مست انداخت. صورت خشمگین مرد مست با ادامه صحبت های پیرمرد نرم تر و نرم تر می شد و مشت های گره کرده اش بتدریج از هم باز می شدند. مرد گفت: «آره. من هم مثل تو عاشق درخت خرما لویم ...»

پیرمرد تبسمی کرد: «آره ، معلومه. حتم دارم زن خوبی هم داری.»

مرد مست بی درنگ پاسخ داد: «نه ، ندارم. عمرشو داده به شما.»

سپس در حالی که با تکان های منظم قطار به این طرف و آن طرف می جنبید ، شروع به گریستن کرد.

«من زن ندارم ، خونه ندارم ، کار هم ندارم ، من از خودم متنفرم.»

اشک بر گونه هایش روان شد ، احساسی از نومیدی شدید سر تا پای وجودش را درنوردید.

همانطور که آنجا در قالب بی آلایش و پاک جوانیم ایستاده بودم ، خود را کتیف تر از او احساس کردم.

قطار در ایستگاهی که قرار بود پیاده شوم ، توقف کرد. در اتنایی که درهای قطار باز می شدند ، شنیدم که پیرمرد می گفت: «عجب ، عجب ، بنشین ، اینجا برایم تعریف کن ببینم.

راستش خیلی سخته ، راستش خیلی مشکله.»

بار دیگر سرم را برگرداندم و برای آخرین بار نگاهشان کردم. مرد مست روی صندلی ولو شده بود و سرش را بر دامن پیرمرد گذاشته بود. پیرمرد به نرمی و آرامی موه های کتیف و ژولیده او را نوازش می کرد.

آنچه را که من به زور بازو می خواستم انجام دهم او با کلمات محبت آمیز انجام داده بود. من به چشم خود شاهد هنر رزمی «آیکیدو» بوم و جوهره آن چیزی جز عشق و محبت نبود. من مجبورم این هنر رزمی را با روحیه ای کاملاً متفاوت تمرین کنم. من هنوز شایسته حل و فصل معضلات و درگیری های مردم نیستم و راه درازی تا رسیدن به آن دارم.

«تری دابسن»

از خدا پرسیدم:

خدایا چطور می توان بهتر زندگی کرد؟

خداوند جواب داد:

گذشته ات را بدون هیچ تأسفی بپذیر ، با اعتماد زمان حال ات را بگذران و بدون ترس برای آینده آماده شو.

ایمان را نگهدار و ترس را به گوشه های انداز.

شکهایت را باور نکن و هیچگاه به باورهایت شک نکن.

زندگی شگفت انگیز است فقط اگر بدانید که چطور زندگی کنید.

مهم این نیست که قشنگ باشی ، قشنگ این است که مهم باشی ، حتی برای یک نفر!

مهم نیست شیر باشی یا آهو ، مهم این است با تمام توان شروع به دویدن کنی.

کوچک باش و عاشق

که عشق میداند آئین بزرگ کردنت را

بگذار عشق خاصیت تو باشد نه رابطه خاص تو با کسی

موفقیت پیش رفتن است نه به نقطه ی پایان رسیدن

فرقی نمی کند گودال آب کوچکی باشی یا دریای بیکران

زالال که باشی ...

آسمان در توست ...!

نلسون ماندلا

زندگی یک مسابقه است. در یک مسابقه دو میدانی ،

همه در میدان مسابقه می دوند اما فقط مسابقه را کسی می برد که اول شود.

و او برای بدست آوردن جایزه نهائی زحمات زیاد کشیده.

و ما هم برای رسیدن به ملکوت خداوند باید زحمات زیاد ببینیم.

زندگی توکل است.

آنانی که بر خداوند توکل دارند ، مانند کوه صهیون ،

همیشه ثابت و پایرجا هستند.

چنانکه کوه ها گرداگرد اورشلیم هستند ،

همچنان خداوند گرداگرد قوم خود است

و تا ابد از ما محافظت می کند.

## اخبار و تقویم کلیسای

-دوشنبه ۵ اسفند ۹۸ = ۲۴ فوریه ۲۰۲۰، شروع روزه بزرگ، این هفته پرهیز از فرآورده های حیوانی و پرهیز از گوشت می باشد.

- از روز جمعه ۹ اسفند ۹۸ = ۲۸ فوریه ۲۰۲۰، هر جمعه مراسم راه صلیب ساعت ۴:۳۰ در کلیسای حضرت یوسف و کلیسای حضرت مریم برگزار می گردد.

-یکشنبه ۱۱ اسفند ۹۸ = ۱ مارچ ۲۰۲۰، دوم روزه  
عهد عتیق: یوشع ۲۴-۱۵/۴  
رساله: رومیان ۱۸-۱/۶  
انجیل: متی ۲۷-۱۵/۷

-جمعه ۱۶ اسفند ۹۸ = ۶ مارچ ۲۰۲۰، هفتمین سالگرد جلوس مارلونیس رافائل ساکو بر کرسی پاتریارکی کلیسای شرق آشوری کلدانی کاتولیک

- یکشنبه ۱۸ اسفند ۹۸ = ۸ مارچ ۲۰۲۰، سوم روزه  
عهد عتیق: یوشع ۲۶-۱/۶  
رساله: رومیان ۲۵-۱۴/۷  
انجیل: متی ۲۸/۱۷/۲۰

- یکشنبه ۲۵ اسفند ۹۸ = ۱۵ مارچ ۲۰۲۰، چهارم روزه  
عهد عتیق: یوشع ۱۵-۱/۷  
رساله: رومیان ۲۷-۱۲/۸  
انجیل: متی ۴۶-۲۳/۲۱

-پنجشنبه ۲۹ اسفند ۹۸ = ۱۹ مارچ ۲۰۲۰، هفتمین سالگرد بر کرسی نشستن پاپ اعظم فرانسیس.

-جمعه ۱ فروردین ۹۹ = ۲۰ مارچ ۲۰۲۰، عید نوروز ۱۳۹۹

- یکشنبه ۳ فروردین ۹۹ = ۲۲ مارچ ۲۰۲۰، پنجم روزه  
عهد عتیق: یوشع ۲۷-۱۵/۹  
رساله: رومیان ۲۱-۱/۱۲  
انجیل: یوحنا فصل ۷ آیه ۳۷ الی ۵۲ و فصل ۸ آیه ۱۲ الی ۲۰

-شنبه ۹ فروردین ۹۹ = ۲۸ مارچ ۲۰۲۰، یادبود چهل شهید مسیحیت

-یکشنبه ۱۰ فروردین ۹۹ = ۲۹ مارچ ۲۰۲۰، ششم روزه  
عهد عتیق: پیدایش ۷-۱/۱۹  
رساله: رومیان ۲۳-۱۰/۱۴  
انجیل: یوحنا ۲۱-۱/۱۰